



## مسئولیت بین المللی دولتها در فضای ماورای جو

۱- محمد فرامرزی بابادی\* ۲- کوثر شجاعی ۳- زهرا قریشی ۴- مریم حبیبی بابادی

۱- ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد، شهرکرد، ایران

۲- ارشد حقوق مالکیت فکری، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد، شهرکرد، ایران

### چکیده

با پیشرفت علوم و فنون مختلف هوایی و فضایی و دستیابی بشر به فضای ماورای جو در قرن بیستم میلادی دسته ی جدی با نام حقوق بین الملل فضایی یا حقوق فضا ظهور پیدا می کند که می توان عنصر اصلی این رشته از علم حقوق را در ابتدا انسان و سپس دولت ها دانست که هرکدام از این دولتها پیرو قواعد حقوق بین المللی فضایی و دارای مسئولیتهایی از جمله مسئولیت های مدنی بین المللی و مسئولیت های جزائی بین المللی می باشند در این مقاله بر تشریح، تفسیر و بررسی موارد یا زجمله فضا، حقوق بین الملل فضایی، مقررات بین المللی راجع به فعالیت دولتها در فضای ماورای جو، مسئولیت بین المللی دولت ها در فضای ماورای جو به عنوان عضو همکاری های بین المللی در فضای ماورای جو و مواردی از این قبیل خواهیم پرداخت.

**کلمات کلیدی:** مسئولیت مدنی، دولتها، فضای ماورای جو

### مقدمه

روابط اجتماعی نوین که در اثر پیشرفت رد علوم فضایی شکل گرفته با دنیای که امروز ناشناخت بوده پیوند خورده است و بر همین اساس رشته ای در علم حقوق مقدم است تا این را تنظیم نموده و به آن حاکم گردد. در جایی که حقوق بین المللی هوایی پاسخگوی تحول کلیه ی صنایع هوایی و هواپیمایی قرن بیستم نبود، زمان که بادهای هوایی قادر به پیوند ماورای جو بودند رشته ی جدید دیگری در حقوق بین المللی به نام حقوق بین المل فضایی بوجود آمد و ان مجموعه قواعد و مقررات است که در این زمینه در سطح بین المللی تهیه و تنظیم گردیده و از طرف کشورهای مختلف تأیید و قابلیت اجرا یافته است. باید در نظر داشت که دولت ها برای دست یافتن به فضا با یکدیگر رقابت دادند و از این جهت مشمول قوانین داخل خود می وشدند. به هر حال پیشرفت جلسات فضائی چه از طریق یک کشور و چه از طریق فعالیت های مشترک دولت ها صورت پذیرد محتاج سلسله مقررات بین المللی است که بر موازین حقوق بین الملل استوار باشد. فضا شامل فضای هوائی یا داخلی و فضای ماورای جو یا فضای خارجی می شود. فضای خارجی بعد از جو زمین شروع می شود و هنوز برای ان آغاز یا سرحد شروع و انجام یا سرحد خاتمه تعیین نشده است. این فضا در حقوق قضائی به دو قسمت تقسیم شده است: فضای منظومه شمسی که بعضی از حقوق دانها سر حد شروع فرضی ان را بعد از جو زمین تعریف نموده و بعضی از آنها از جمله پروفیسور کوپر حقوق دان معروف امریکائی خاتمه آن را آخرین حد فضای منظومه شمسی تعیین نمود و ماورای آن فضای خارجی گالاکسی ومنظومه های دیگر خواهد بود. (شاو، 1388)

مشکل از کراتی که به دور خورشید خود همچنان می چرخند و گالاکسی را بعضی از حقوق دانها تابع مقررات بین المللی حقوق فضائی نمیدانند و بنابراین موضوع فضای خارجی و قوانین و مقررات و معاهدات بین المللی مربوط می شود و به فضای ماورای جو منظومه شمسی. ولی عده ای دیگر برای خاتمه سر حد فضای خارجی با عقیده پروفیسور کوپر موافق نبوده و معتقدند که در مورد فضای خارجی نباید انجام یا سر حد خارجی قائل شد و فضای خارجی تا لایتنهای ادامه می یابد و در نتیجه کلیه منظومه ها و کرات اسمانی واقع در گالاکسی و منظومه شمسی را همچنان یعنی حدود فضای خارجی محسوب و تابع مقررات بین المللی ساکنین کره زمین می دانند. این موضوع تعیین حدود



فضای خارجی هنوز حل نشده و در کمیته استفاده صلح جویانه از فضای ماورای جو سازمان ملل Copuos تحت بررسی است. در حال حاضر در حقوق بین المللی فضائی وقتی از فضای خارجی در کنوانسیونها و معاهدات بین المللی نام برده می شود آن را شامل ماه و سایر اجرام سماوی می دانند این اجرام سماوی یعنی کرات در منظومه شمسی عبارتند از: عطارد، زهره، مریخ، زحل، مشتری، اورانوس، نپتون و پلوتو و ماههای طبیعی هر یک از کرات مذکور که با کره زمین همگی در یک منظومه در مدار خود به دور خورشید م یچرخند و تابع قوه جاذبه خورشید هستند پس فعلاً در حقوق بین المللی قضائی و فضای خارجی کره زمین را شامل فضا و سایر اجرام سماوی منظومه شمسی می دانند مگر آنکه تعریفی برای فضای خارجی و حدود آن ضمن یک کنوانسیون بین المللی بشود. این موضوع از نظر حقوق حائز اهمیت خاصی است و ما در مبحث مربوط به وضع حقوقی فضای خارجی آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد و با پیروی از کنوانسیونها و مقررات بین المللی و عقاید و نظرات کارشناسان فنی و حقوقی توضیحات لازم را در این مورد خواهیم داد. (ضیائی بیگدلی، 1395)

### بیان مسئله

حقوق بین الملل فضایی، به عنوان یکی از شاخه های جدید حقوق بین الملل، در واقع مرهون پیشرفت علوم فضایی در سال های پس از نیمه دوم قرن بیستم است، اما به موازات آن نباید تحول در دیدگاه های نظری حقوقی را نادیده انگاشت؛ دیدگاه های جدیدی که برای فضای ماورای جو، ماهیت حقوقی متفاوتی با ماهیت حقوقی جو ارائه دادند و در نتیجه، نظام حقوقی فضا را تدوین نمودند. امروزه، علاوه بر اینکه فضای ماورای جو در خدمت کاوش ها و تحقیقات علمی است و انسان را با دنیای ناشناخته آشنا می کند، در خدمت ارتباطات مخابراتی، رادیویی و تلویزیونی و هواشناسی نیز هست. حقوق بین الملل فضایی یا حقوق فضاء، مجموعه قواعد و مقرراتی است که بر کلیه فعالیت های فضایی کشور ها و سازمان های بین المللی در ماورای جو و کرات آسمانی حاکم است. پروفیسور ژوکف تعریف جامعتری از حقوق فضا یا حقوق بین الملل فضا یا حقوق بین الملل فضایی دارد، بدین مضمون:

«حقوق فضا عبارت از مجموعه مقررات و قوانین بین المللی است که بر روابط کشور ها با یکدیگر و روابط آنها با سازمان های بین المللی که در زمینه تحقیقات فضایی عمل می کنند، حاکم است و نیز تدوین یک سلسله قوانین بین المللی را بر اساس اصول حقوق بین الملل که ناظر بر فضای ماورای جو و کرات آسمانی است، ایجاب می نماید.»

حقوق بین الملل هوایی، چنانکه از عهد نامه های شیکاگو بر می آید، با فنون فضایی منطبق نیست، بلکه آن حقوق تنها تنظیم کننده مقررات مربوط به رفت و آمد اقسام ناوهای هوایی است که در اثر واکنش هوا در جو حرکت می کنند؛ در صورتی که سفاین فضایی را موشک ها به جلو می رانند و در ماورای جو قرار می دهند. (بایسته های حقوق بین المللی، 1388)

کلیه کشور ها با این نظر موافق اند که ماهیت حقوقی فضا (ماورای جو و کرات آسمانی) با ماهیت حقوقی جو متفاوت است زیرا فضای جو با سه طبقه متمایز خود بر اساس حقوقی معاهده ای، تحت حاکمیت کشور زیرین است و قلمرو هوایی آن کشور را تشکیل می دهد در حالی که فضای ماورای جو و کرات آسمانی تحت حاکمیت هیچ کشوری نیست و کاوش و بهره برداری از آن برای کلیه کشور های حال و آینده آزاد است. بنابراین به هیچ وجه نمی توان قسمت های مختلف فضا را با قلمرو های هوایی کشور ها مقایسه کرد و تابع قواعد حقوقی معتبر آن دانست بلکه باید قواعد حقوقی مناسب با این محیط جدید وضع گردد تا پاسخگوی نیاز های واقعی جهان امروز باشد موضوعی که در اینجا مطرح است تصمیم گیری در زمینه تعیین حد میان قلمرو هوایی (یا قلمرو کشوری) و قلمرو فضایی (یا قلمرو بین المللی) است زیرا ماهیت حقوق بستگی تام با ماهیت طبیعی آن دارد. عده ای معتقدند که قلمرو هوایی تا جایی است که اکسیژن وجود داشته باشد و به بشر بتواند به حیات خود ادامه دهد و در مقابل قلمرو فضایی از نقطه ای آغاز می گردد که زمین قوه جاذبه خود را از دست می دهد امروزه این حد از نظر علمی بین 150 تا 200 مایل از سطح زمین متغیر است با این حال نمی توان به طور دقیق حد میان قلمرو هوایی و قلمرو فضایی را مشخص نمود زیرا اگر جو را از حیث طبیعی مورد مطالعه قرار دهیم به این نتیجه خواهیم رسید که محدوده جو غیر مشخص و در مکان ها و فصول مختلف

تغییر پذیر است از سوی دیگر حد معینی را نمی‌توان برای جاذبه زمین ذکر نمود زیرا هر روزه با پیشرفت‌هایی که در زمینه صنعت هواپیما سازی و ساختن سفاین فضایی نصیب انسان می‌گردد این محدوده نیز تغییر می‌کند. طبق گزارش مخصوص سازمان ملل متحد که در سال 1959 (سال بین‌المللی جغرافیا) منتشر گردید کلیه کشور های جهان پذیرفتند که پرتاب و پرواز سفاین فضایی قانونی است البته استثنایی که در گزارش به چشم می‌خورد به ماده 51 منشور مربوط است که به استناد آن هر گونه تجاوزی حتی به تجاوز قلمرو فضایی کشورها ممنوع است. « با قبول اینکه اکتشاف و استفاده از فضای ماورای جو بایستی در راه خیر و صلاح کلیه ملل بدون توجه به میزان رشد اقتصادی یا علمی آنها صورت پذیرد و با تمایل مشارکت در همکاری پر دامنه بین‌المللی در مورد جنبه‌های علمی و حتی حقوقی اکتشافات و استفاده از فضای ماورای جو برای مفاسد صلح جویانه و با قبول اینکه وجود چنین همکاری موجبات تفاهم متقابل و تقویت متناسب دوستانه بین دولت‌ها را فراهم خواهد ساخت. »

و با تذکر به قطعنامه شماره 1962 « هجدهمین دوره اجلاسیه » تحت عنوان « اعلامیه اصول حقوقی بر فعالیت‌های دول در اکتشاف و استفاده از فضای ماورای جو که در تاریخ 13 دسامبر سال 1963 به اتفاق آرا به تصویب مجمع عمومی ملل متحد رسیده ». (بایسته‌های حقوق بین‌المللی، 1388)

قبل از ذکر مواد معاهده لازم می‌دانیم دو نکته را مورد توجه قرار دهیم :

نکته اول ، آنکه در مقدمه معاهده چند مرتبه به قطعنامه‌های مجمع عمومی ملل متحد و به اصول منشور ملل استناد شده و نکته دوم ، علل و مبانی تنظیم معاهده و هدف و نتایجی است که نیل و تحصیل آن منظور نظر بوده است. در مورد موضوع اول لازم می‌دانیم چند ماده از منظور ملل متحد را که از جمله اصول اساسی منشور و نکاتی است که مبانی تنظیم معاهدات بین‌المللی می‌باشد و جنبه اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی ، نظامی ، فرهنگی و حقوقی داشته و برای تأمین صلح جهان و حل اختلافات بین دول از طریق مسالمت آمیز مهم می‌باشد و دارای ضمانت اجرایی است در این جا ذکر کنیم و در مورد نکته یا موضوع دوم که مربوط به علل و مبانی تنظیم معاهده و هدف و نتایجی است که نیل به آنها منظور بوده است بعداً توضیح می‌دهیم. (بایسته‌های حقوق بین‌المللی، 1388)

### بررسی معاهده مربوط به اصول حاکم بر فعالیت دول

#### در زمینه اکتشاف و استفاده از فضای ماورای جو

ماده دو معاهده فضا مقرر می‌دارد « فضای ماورای جو منجمله ماه و سایر اجرام سماوی را نمی‌توان با اعلام حق حاکمیت یا بوسیله استفاده و تصرف یا به هر وسیله دیگر جزء متصرفات ملی بشمار آورده طبق این ماده فضای ماورای جو که شامل ماه و سایر اجرام سماوی منجمله کرات منظومه شمسی است به هیچ عنوان و از هیچ طریقی قابل تملک نیست و دول جهان حق حاکمیت بر فضای مذکور ندارند و هر نوع استفاده از فضای مذکور ایجاد حق حاکمیت و مالکیت در آن نمی‌کند در این مورد لازم می‌دانیم بدو به دو موضوع توجه کنیم : یکی آنکه هنوز حدودی برای فضای ماورای جو تعیین نگردیده و مادام که حدود فضای خارجی طبق قانون تعریف نشود اجرای مفاد معاهدات بین‌المللی و حتی قوانین داخلی در منطقه ای که معلوم نیست فضای خارجی هست یا نیست از نظر حقوقی دچار اشکال می‌شود. موضوع دوم آنکه اگر فضای خارجی قابل تملک ملی نیست و تابع حق حاکمیت هیچ دولتی واقع در کره زمین نیست پس فضای مذکور به چه کسی تعلق دارد و به عبارت دیگر اصل حقوقی فضای ماورای جو منجمله ماه و سایر اجرام سماوی حیطه تصرف بشریت و میراث عمومی بشریت شناخته شده است. » (صفوی، 1387)

« سازمانی بروی اصل تساوی حق حاکمیت تمام اعضای خود استوار می‌باشد » منشور ملل متحد چندین مرتبه از حقوق بشر نام برده و لزوم حفظ منافع جامعه بشریت را متذکر شده و این مفهومی است که حقوق فضایی جدید بر آن متکی است. این موضوع همچنان در مورد اجرای اعلام جهانی حقوق بشر که منشور ملل را تبیین و تفسیر می‌کند مورد توجه قرار گرفته است. ماده 19 اعلامیه حقوق بشر حق آزادی عقیده و بیان آن را مقرر داشته و اضافه می‌کند که این حق شامل آزادی حفظ عقاید بدون حق دخالت و تفتیش دیگری و نیز حق گرفتن و رسانیدن اخبار و عقاید از



طریق هر واسطه و بدون توجه به سرحدات می باشد. معیذا حق حاکمیت دول و حق آزادی اطلاعات ممکن است دو اصل متضاد شناخته شود. این تضاد در موقع ارزیابی قوانین فعلی و آینده که باید مخابره از دور یا « تلکمونیکاسون » به وسیله ماهواره ها را توجیه کند مورد بررسی قرار می گیرد. (صفوی، 1387)

جامعه بین‌المللی همواره تردیدی نسبت به اعطای حق تقدم آزادی مخابرات در مقابل اصل حاکمیت مطلق ابراز نموده است یک طرح معاهده بین‌المللی راجع به آزادی مخابرات از چند سال قبل بوسیله مجمع عمومی ملل متحد مورد بحث قرار گرفت ولی سال ها نتیجه ای حاصل نشد.

حتی کنوانسیون اروپایی مربوط به حفظ و حمایت از آزادی های اساسی شامل مقررات جزئی راجع به چنین آزادی می باشد معاهده بین‌المللی فضا مورخ سال 1967 میلادی در مواد 9، 11 و 14 نقش محدودی به سازمان ملل متحد واگذار کرده است مواد مذکور بدین شرح است :

هر گاه یکی از دول طرف به جهتی معتقد گردد که شروع فعالیت با آزمایش مطلوب در فضای ماورای جو منجمله ماه و سایر اجرام سماوی از جانب خود و اتباعش ممکن است بالقوه در مورد فعالیت های سایر دول طرف متعاهد در اکتشاف و استفاده صلح جویانه از فضای ماورای جو منجمله ماه و سایر اجرام سماوی دارای آثار زیان بخش باشد و یا مانع عملیات دول مذکور گردد مکلف است پیش از شروع چنین فعالیت یا آزمایشی مشاورات لازم را بعمل آورد . هر یک از دول متعاهد که به جهتی تصور کند که انجام فعالیت یا آزمایش از جانب طرف دیگر در فضای ماورای جو منجمله ماه و سایر اجرام سماوی به طرز زیان آوری موجب و مانع فعالیت های مذکور به اکتشاف و بهره برداری صلح جویانه از فضای ماورای جو منجمله ماه و سایر اجرام سماوی می گردد می تواند تقاضای انجام مشاوره در این زمینه را بنماید.

در این ماده به طوری که می بینیم بعد از آن که اصل همکاری و اکتشاف و استفاده از فضا را برای مقاصد صلح جویانه و با رعایت منافع کلیه دول عضو معاهده اعلام کرده است مقرر می دارد که هر گونه اکتشاف و استفاده از فضای ماورای جو باید به نحوی انجام شود که از آثار سوء آلودگی برکنار مانده و از تغییرات زیان بخشی که ممکن است به علت دخول اجسام برون زمینی در محاط زمین حاصل شود احتراز گردد.

« موضوع آلودگی فضای ماورای جو به سبب یک سلسله فعل و انفعالات ناشی از متصاعد شدن گاز های شیمیایی از اشیا و وسائط نقلیه فضایی در فضای خارجی و یا انفجار اشیا فضایی و ایجاد خرده ها و زباله های فضایی و وجود ماهواره های مرده و سرگردان در فضا و غیره خطراتی از لحاظ فعالیت در فضا و همچنین زیان وارده بلایه اوزون اتمسفر زمین و در نتیجه انعکاس و تشدید انعکاس مستقیم اشعه خورشیدی و تابش مستقیم آن به نقاطی در سطح کره زمین بخصوص در قطب شمال که اخیراً سوراخی در پوشش اتمسفر زمین مشاهده شده است و اثرات سوء آن نسبت به محیط زیست بشر ایجاد نموده که موجب نگرانی جوامع مختلفه و دول قرار گرفته است و ما به سبب اهمیت جهانی این موضوع آن را در مبحث خاصی مورد بررسی قرار خواهیم داد.

هنگام بحث روی طرح معاهده دولت ژاپن پیشنهاد نمود : دولتی که به اکتشاف اقدام می کند و ممکن است نتایج مشابهی برای آنها حادث شود باید قبل از اقدام به چنین آزمایشی که دبیر کل سازمان ملل متحد در اجرای معاهده فضا بوسیله دول عضو نباید نقشی را ایفا کند و به جای الزام به مطلع ساختن دبیر کل ملل متحد دولت روسیه ( اتحاد جماهیر شوروی سابق ) پیشنهاد نمود که در موقع عدم توافق یا حدوث تصادم قانونی بین دول عضو راجع به اکتشاف و استفاده از فضا مشاوره بین دول اجباری باشد. بدین طریق متن نهایی ماده نه پیش بینی الزام مشاوره و استفاده از فضا مشاوره بین دول اجباری باشد. بدین طریق متن نهایی ماده نه پیش بینی الزام مشاوره را در موردی که دولتی معتقد گردد که شروع فعالیت یا آزمایش مطلوب در فضای ماورای جو منجمله ماه و سایر اجرام سماوی از جانب خود و اتباعش ممکن است بالقوه در مورد فعالیت های سایر دول طرف متعاهد در اکتشاف و استفاده صلح جویانه از فضای ماورای جو منجمله ماه و سایر اجرام سماوی دارای آثار زیان بخش باشد و یا مانع عملیات دول مذکور گردد مکلف است پیش از شروع چنین فعالیت یا آزمایش مشاوران لازم بعمل آورد. همچنین اضافه می کند که هر یک از دول متعاهد که به جهتی تصور کند که انجام فعالیت یا آزمایش از جانب طرف دیگر در فضای ماورای جو منجمله ماه و

سایر اجرام سماوی به طرز زیاد آوری مانع فعالیت های مانع اکتشاف و بهره برداری صلح جویانه از فضا شود در این مورد می تواند تقاضای انجام مشاوره کند . پس در یک مورد می تواند تقاضای انجام مشاوره کند. پس در یک مورد تقضای مشاوره اجباری مورد اول و در مورد دیگری یعنی مورد دوم اختیاری است.

اما همین ماده نیست به زمانی که تقاضای مشاوره باید انجام پذیرد ساکت است معهدا از فحوای ماده می توان استنباط نمود که تقاضای مشاوره همین که اکتشاف شروع شد باید مورد توجه قرار گیرد. (جباری، 1395)

در مورد آگاهی و اطلاعات ماده 11 معاهده فضایی مقرر می دارد. به منظور تشویق همکاری بین المللی در اکتشاف و استفاده صلح جویانه از فضای ماورای جو منجمله ماه و سایر اجرام سماوی فعالیت هایی دارند موافقت می نمایند که دبیر کل سازمان ملل متحد و مجامع علمی بین المللی دانشمندان جهان و عامه مردم راحتی المقدور و تا سر حد امکان از چگونگی و طرز انجام و محل و نتایج این قبیل فعالیت ها واقف سازند. دبیر کل ملل متحد باید این آمادگی را داشته باشد که به محض دریافت این قبیل اطلاعات آن را فوراً به طرز مؤثری منتشر سازد.

در مورد سهمی که برای دول توسعه یافته و استخراج کننده منابع طبیعی منظور شده و استثنایی است بر اصل میراث عمومی بشریت استثنا به طریق مثبت به نفع دول بهره بردار است و در مورد نفع مخصوص منصفانه برای دول در حال توسعه که از میراث عمومی بشریت بهره مند می شوند استثنا به طریق منفی و جهت رفع نیازمندی ملل و دول مذکور که خود از نظر علمی و فنی قادر به اکتشاف و استخراج و بهره برداری از منابع طبیعی کره ماه نیستند ذکر شده است. به این نحو قانون گذار خواسته است اصل میراث عمومی بشریت را به طریقی بیان و تأمین کند که رعایت حق و عدالت و نصفت شده باشد. مفاد ماده یک شرط منافع عمومی را با شرط برقراری اصل میراث عمومی بشریت توجیه و تبیین می کند. (صفوی، 1387)

اصل نفع عمومی و میراث عمومی بشریت واجد اهمیت خاصی است زیرا ماوراء منافع فردی یا منافع مستقل یک کشور منافع جمعی و گروهی را در نظر می گیرد و چه صراحتاً می گوید منافع کلیه دول صرف نظر از میزان رشد و توسعه اقتصادی یا عملی آنها باید در نظر گرفته شود و نیز منافع باید به طور منصفانه طبق یک رویه قابل قبول تقسیم شود. با توجه به طبیعت ابتکاری و کیفیت جمله بندی عبارات تور رفته است که این اصل تنها یک مفهوم فلسفی جدید است که از قدرت قانونی و ضمانت اجرایی برخوردار نیست . البته مشکل است معنی قانونی دقیقی برای آن بیان نمود ولی با یک ضمانت اجرایی برخوردار نیست. البته مشکل است معنی قانونی دقیقی برای آن بیان نمود ولی با یک بررسی عمیق تری از این قائده می توان به این نتیجه رسید که اصل میراث عمومی بشریت و جمله : نفع عمومی قانونی بوده و دارای قدرت اجرایی است. زیرا اگر قرار بود فقط به بیان یک اصل فلسفی بدون قدرت قانونی و ضمانت اجرایی اکتفا شود ذکر جمله « نفع عمومی » در مقدمه معاهده فضا کافی بود و دیگر حاجتی نبود یک مرتبه دیگر قسمت عملی معاهده یعنی مندرجات مواد آن الزام آورد بوده و رعایت آن برای عموم دول اجباری است حال باید دید چه حقوق و الزامات قانونی به وسیله میراث عمومی بشریت به خصوص در مورد کشور های در حال توسعه « بدون توجه به میزان رشد اقتصادی و علمی آنان » بر آن ایجاد شده است ؟ بدواً باید متذکر شویم که کشور های توسعه یافته صنعتی مشمول جمله فوق می باشند و در نتیجه کشور هایی که فعالیت های فضایی انجام می دهند تابع یک الزام اساسی هستند و آن این است که منافع کشور های در حال توسعه را منظور داشته و رویه ای را برای تقسیم منافع حاصل از فعالیت های فضایی مذکور پیش بینی کنند که تقسیم عادلانه و منصفانه باشد رویه ای که طبق آن عمل می شود معمولاً بین دولت های ذینفع باید حل و فصل شود اما موضوع شرکت یا دخالت دول در حال رشد و فعالیت های فضایی ممکن است به صور مختلف انجام شود مثلاً از طریق دسترسی یافتن به ارقام و قواعد و اطلاعاتی که در نتیجه فعالیت فضایی تحصیل می شود ، فروش و انتقال فنون فضایی و آلات و ادوات الکترونیک به خصوص در قلمرو مخابره از دور یا « تلکمونیکاسیون » . دول در حال توسعه در فعالیت شبکه اینتلسات به صورت عضو یا استفاده کننده فعالانه شرکت می کنند . اینتلسات و تأسیسات مخابره از دور « تلکمونیکاسیون » تکامل یافته آن موجب مشارکت کلیه دول عضو اتحادیه بین المللی مخابره از دور یو آی تی در آن شده است همچنین دول مذکور در شبکه اینمارسات





و در سیستم های ناحیه پالاپا یا عربسات فعالانه شرکت دارند به عقیده بعضی از دول در حال توسعه این نوع همکاری قدم اولیه به شمار می رود تا بعد ها به صورت شرکت مستقل بر فعالیت های فضایی در نتیجه توسعه فنون فضایی در کشور های مذکور آن کشور ها نیز مستقلاً یا به صورت همکاری ناحیه ای و مشترک سیستم پرتاب و استفاده از ماهواره های مخابراتی را خود اجرا کنند. در این جا به یک اشکال سیاسی برخورد می کنیم و آن این است مدار همگرد با زمین « اوریبیت ژئواستاسیونر » که در ارتفاع 36 هزار کیلومتر بالاتر از سطح دریا یا بالاتر از خط استوا قرار گرفته بهترین مدار از لحاظ درازی عمر ماهواره ها و پوشش سطح بیشتری از کره زمین است و چون استقرار ماهواره در مدار مذکور که سرعت حرکت آن مساوی با سرعت حرکت وضعی زمین به دور خود می باشد موجب می شود که از یک طرف دولتی که ماهواره خود را بالای سرزمین کشور خود که در آن مدار قرار داده است همواره آن ماهواره را مشاهده کند و از طرف دیگر دولی که مایل به کسب اطلاعات و اخبار از کلیه نقاط واقع در سطح کره زمین است باشند می توانند با استقرار سه ماهواره که در مدار همگرد با زمین در نقاط مورد نظر قرار داده شود کلیه اخبار و اطلاعات و وقایعی را که در هر نقطه کره زمین رخ دهد گرفته و به نقطه مقصد منعکس کند بنابراین مدار همگرد با زمین به حدی دارای ارزش و اهمیت است که کلیه دول فضایی سعی کردند ماهواره های خود را در درجه اول در مدار همگرد با زمین قرار دهند و چون ظرفیت مدار مذکور و فرکانس های رادیویی آن پیشرفت مخصوصی نکرده اند نسبت به اشغال مدار همگرد با زمین اعتراض نمودند زیرا معتقدند به سبب اینکه مدار همگرد با زمین بالای کشور آنها قرار گرفته است آنها حق حاکمیت نسبت به آن دارند و این ادعا به خصوص از طرف بعضی از دول کشور های واقع در خط استوا همچنان در سازمان ملل متحد ایراد شد لیکن به سبب آن که این موضوع یا ادعای چنین حقی با مندرجات بند دو معاهده بین المللی فضا که آزادی استفاده از فضا را شناخته است و نیز با اصل عدم وجود حق حاکمیت در فضای ماورای جو مبانیات دارد لذا مورد قبول واقع نشد اما نمی توان یک موضوع را در مورد مدار همگرد با زمین که عبارت از استفاده کلیه دول فضایی از مدار مذکور است به نحوی که جایی در آن محل جهت استقرار ماهواره های دیگر کشور ها باقی نگذارده و نیز موضوع ثبت فرکانس های رادیویی مربوطه را که از نظر بین المللی مشکلاتی ایجاد نموده نادیده گرفت در این موضوع کمیته فنی و حقوقی سازمان ملل متحد مدت ها به منظور پیدا کردن راه حل منصفانه جهت امکان استفاده کلیه دول از مدار همگرد با زمین و ثبت مدار های رادیو الکتریک مربوطه مشغول مطالعه و بررسی بوده و پیشنهادات مختلفی که از آن جمله خروج ادواری و متناوب ماهواره های یک کشور از مدار همگرد با زمین برای ورود و استقرار ماهواره متعلق به کشور دیگری یا مشارکت دول در استفاده از مدار مذکور و غیره می باشد تحت بررسی قرار گرفته است که البته موضوع کنترل ماهواره های مستقل در آن مدار که در رابطه با کنوانسیون ثبت و تابعیت های ماهواره ها حائز اهمیت می باشد و این موضوع را در مبحث مربوطه بررسی خواهیم کرد زیرا یکی از مشکلات موجود به طوری که قبلاً نیز به آن اشاره نمودیم وجود تعداد زیادی ماهواره ها در مدار های مختلفه زمین و از آن جمله در مدار همگرد با زمین است که طبق مقررات کنوانسیون ثبت اشیاء فضایی به ثبت نرسیده و لذا تحصیل اطلاعات و کنترل آنها برای سازمان ملل متحد که اصولاً ماهواره ها پس از پرتاب شدن باید به اطلاع او برسند تا دفتر مربوطه به ثبت برساند دشوار بلکه مقدور نیست . اصل میراث عمومی بشریت همچنان در مورد بهره برداری بازرگانی از منابع زیر زمینی واقع در پهنه دریاها مورد توجه قرار گرفته و حفظ منافع در حال توسعه در این مورد نیز بین المللی یا قانون دریاها ذکر شده است . در خاتمه این مبحث متذکر می شویم که چون موضوع شرکت یا دخالت دول در حال توسعه در فعالیت های فضایی به صورتی که به اختصار ذکر کردیم موضوع بسیار مهمی است که دول در حال توسعه جهان سوم در حقیقت با توجه به مقررات بین المللی حقوق خود را کاملاً محفوظ ندیده و در مقابل دول فضایی و ابر قدرت ها عملاً استفاده کننده کالایی هستند که دیگری ساخته است و با وجود یک سلسله مقررات مخصوص از دستیابی به فنون فضایی محروم بوده و یا باید سالیان دراز مقدماتی را طی وسائلی فراهم سازد تا بتوانند به فنون یا تکنولوژی فضایی دست یابند و این موضوع از نظر اقتصادی و تحمل هزینه هنگفت پرداخت مال الاجاره یا حقوق مربوط به استفاده از ماهواره ها و اشیاء فضایی متعلق به کشور های توسعه یافته ممکن است همواره این قبیل کشور ها را در صف مصرف

کننده یعنی در صف عقب قرار دهد لذا نگارنده این موضوع را که در رابطه با حفظ حقوق جهان سوم در اکتشاف و استفاده و بهره برداری از فضای ماورای جو و سایر اجرام سماوی و امکان همکاری به منظور دست یافتن به تکنولوژی فضایی است ضمن مقاله ای که در کنگره بین المللی انستیتوی بین المللی حقوق فضایی عنوان نموده و در مبحث مخصوصی این موضوع را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار خواهد داد. (صفوی، 1387)

### اصل آزادی و حدود آن

اصل استفاده از فضا و اکتشافات فضایی که در بند دو ماده 1 معاهده فضا که در مورخ سال 1967 ذکر شده مسلماً نسبت به کلیه فعالیت های حاصله از ماهواره مخابره از دو یا « تلکمونیکاسیون » اعمال می شود مدار همگرد با زمین جزء فضای ماورای جو است و بنابراین اصل آزادی نسبت به این منبع اعمال می شود و معهداً بند یک ماده یک و ماده 3 محدودیت های به این اصل آزادی وارد ساخته است به طوری که دیدی بند یک ماده یک مقرر می دارد :  
« اکتشافات و استفاده از فضای ماورای جو منجمله ماه و سایر اجرام سماوی باید در جهت خیر و صلاح و با رعایت منافع کلیه کشور ها بدون توجه به میزان رشد اقتصادی و علمیه آنها صوت گیرد و این مناطق حیطة تصرف بشریت به شمار آید »

اکتشافات و استفاده از فضا محدود به رعایت خیر و صلاح و همچنین حفظ منافع کلیه کشور ها می باشد و فضای خارجی جزء میراث بشریت شناخته شده است در نتیجه طبق این ماده آزادی اکتشاف و استفاده محدود شده است. ماده 3 مقرر می دارد « فعالیت های دول طرف این معاهده در امر اکتشاف و استفاده از فضای ماورای جو منجمله ماه و سایر اجرام سماوی باید اساس موازین حقوق بین المللی و مشهور ملل متحد و به منظور حفظ صلح و امنیت جهانی و بسط همکاری و تفاهم بین المللی صورت گیرد »

در این ماده نیز اکتشاف و استفاده از فضا محدود به رعایت موازین حقوق بین المللی و منشور ملل متحد و به منظور حفظ صلح و امنیت جهانی و بسط همکاری و تفاهم بین المللی شده است .

با توسعه حقوق فضایی و به سبب تراکم روز افزون مدار همگرد با زمین لازم است به علل و عوامل محدود کننده توجه کنیم و به اصل آزادی خدشه وارد نسازیم دول به این نکته توجه دارند که برای حفظ منافع حاصله از همکاری بین المللی و توسعه منظم هماهنگی به وسیله اتحادیه بین المللی مخابره از دور در مدار همگرد با زمین مبتنی بر تقاضای قبلی باشد. شرایطی که موجب ان اتحادیه بین المللی مخابره از دور به وسیله ماهواره حق دارد پرتاب ها را ثبت و هماهنگ سازد موضوعی است که نسبت به آن دول باید با یکدیگر توافق کنند و این توافق در چارچوب مقررات اتحادیه بین المللی مخابره از دور انجام شود در صورتی که این عمل به وسیله معاهده فضا صریحاً تحت ضابطه ای در نیامده است به خصوص اصل عدم تملک مندرج در ماده دو معاهده فضا مانع ثبت موقعیت مداری دائمی از جانب اتحادیه بین المللی مخابره از دور نمی شود به دلیل آنکه یک ثبت دائمی از جانب اتحادیه مذکور ایجاد حق مالکیت ملی و دائمی نسبت به آن مدار نمی کند با این همه کیفیت ثبت و هماهنگ نمودن فرکانس ها و موقعیت های مداری باید با توجه به رعایت مقررات مندرج در یک ماده و همچنین شرط همکاری مندرج در ماده 9 معاهده فضا انجام بپذیرد زیرا در بند دو ماده یک صراحتاً می نویسد « کلیه دولت ها می توانند آزادانه بدون هیچ گونه تبعیض و در شرایط متساوی با رعایت موازین حقوق بین المللی اقدام به اکتشاف و استفاده از فضای ماورای جو منجمله ماه و سایر اجرام سماوی نموده و به کلیه مناطق مزبور آزادانه دسترسی داشته باشند.» (عدل، 1389)

### مسئولیت دولتی

ارتباط مشترک بین مقررات معاهده فضا و مقررات مختلفه حقوق بین المللی عمومی به نحوی که در ماده سه معاهده فضا ذکر شده در چارچوب حقوق بین المللی که شامل مخابره از دور می شود مورد بحث قرار گرفته است . اجرای اصل مسئولیت دولتی در قلمرو مخابره از دور همچنان ذکر شده و ماده شش معاهده فضا اجرای این اصل را در مورد فعالیت مخابره از دور به وسیله ماهواره تأیید می کند . (محمدی، 1389)



## مسئولیت مدتی بین المللی در مورد خسارات

### وارد به وسیله اجسام فضایی

سازمان ملل متحد که متشکل از نمایندگان دول عضو سازمان مذکور است دارای دو سو کمیته می باشد : یکی سو کمیته فنی یا علمی که به مسائل علمی یا فنی قضایی رسیدگی نموده و آنها را برای تنظیم قوانین و کنوانسیون های بین المللی آماده می سازد، تا متن کنوانسیون های بین المللی از نظر انطباق با مسائل علمی و فنی صحیح و مورد قبول نمایندگان دول و کارشناسان فنی جهان قرار گیرد و دوم سو کمیته حقوقی است که متن کنوانسیون های بین المللی را با توجه به نظرات سو کمیته فنی و تنظیم می نماید و مسلم است که بین اعضای این دو سو کمیته همکاری نزدیک وجود دارد و دو سو کمیته مذکور مجتمعاً کمیته استفاده صلح جویانه از فضای ماورای جو *droit spatial* یا *space low* می باشد زیرا اگرچه نمایندگان دول ممکن است به سبب عنوان خود تخصص در مسائل فضایی نداشته باشد لیکن می توانند با خود کارشناسان که سازمان ملل متحد نیز در اختیار آنها می گذارد استفاده کنند اما موضوع مهم این است که نمایندگان دول در کمیته استفاده صلح جویانه از فضا در مورد بررسی مسائل مربوط به استفاده صلح جویانه از فضا برای حفظ منافع کشور های خود و دول متفق و مشترک المنافع خود در تنظیم مقرراتی که جنبه کنوانسیون های بین المللی و لازم التبع برای عموم دول دارد گرفتاری ها و مشکلاتی دارند که حل و فصل آنها به سهولت امکان پذیر نیست زیرا عوامل مختلفی از قبیل تصادم منافع بین دو بلوک شرق و غرب با دو ایدئولوژی مخالف منابع ابر قدرت ها در مقابل کشور های در حال توسعه منافع دولی که به فضا راه یافتند در مقابل دولی که فاقد وسائل و امکانات مذکور می باشند اختلاف بین سیستم های سیاسی و حقوقی دول غرب و شرق دنیای سوم اختلاف بین مقررات حقوق مدنی ( *civil law* ) و حقوق عمومی *common law* لزوم به تجزیه و تحلیل و تنظیم مقررات مشروح و تفصیلی که مسائل علمی یعنی سیانس خالص و مسائل خصوصی حقوقی را به تهیه و تنظیم کند که رفع ابهام و تصادم قوانین بشود وجود دارد و بالاخره مهمترین موضوع در واقع تهیه و تنظیم مقرراتی است که از یک طرف مسائلی را که جنبه سیانس یا علم خالص دارند با عناوین حقوقی مربوطه منطبق سازد و از طرف دیگر مقررات به نحوی تنظیم شود که مورد موافقت عامه دول عضو سازمان و به خصوص دولی که از حقوق وتو در سازمان ملل متحد برخوردار هستند تا هنگام طرح موضوع کنوانسیون یا معاهده بین المللی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و دول صاحب نظر حق وتو و با استفاده از حق مذکور مقرراتی را که پس از مطالعات و بررسی عمیق و طولانی تهیه و تدوین شده اند مطرود و مردود نکنند . (محمودی، 1395)

### اصول مسئولیت

#### الف - مسئولیت مطلق

ماده 2 کنوانسیون مقرر می دارد « دولت پرتاب کننده مسئولیت مطلق را به وسیله جبران خساراتی را که به وسیله جسم فضایی متعلق به او در سطح زمین یا در فضا به وسائل در حال پرواز وارد شده است به عهده خواهد داشت »  
الف- اصل مسئولیت مطلق در این ماده معنی می دهد که خسارت دیده یا قربانی خسارت مکلف نیست خطا یا افعال دولتی را که جسم فضایی که متعلق به او را بوجود بیاورد یا سبب ورود آن شده و به ثبوت برساند تا دولت مذکور مسئول باشد فقط کافی است رابطه علت و معلول بین جسم فضایی و خسارت برقرار شود برای اینکه مسئولیت به موجود آید. در این مورد موضوع زیر قابل توجه است :

اگر اثبات خطا یا افعال دولت پرتاب کننده جسم فضایی بر عهده قربانی سانحه می بود اقبال او برای جبران خسارتش تقریباً غیر ممکن بود زیرا مدرک و بسیار مبهم ، مختلط و فنی بوده بلکه شامل اطلاعاتی می شود که دولت پرتاب کننده حاضر به افشای آن نیست به علاوه هنوز ضابطه برای احتیاط تعیین نشده که مورد قبول دول باشد و بدون چنین ضابطه ای مشکل است آنچه را که فضا نورد یا مراکز کنترل در روی زمین باید انجام دهد و یا بالعکس از انجام



آن خود داری نماید در شرایطی که موجب سانحه شده است تعیین نمود یک دلیل دیگر که مؤید صحت اصل مسئولیت مطلق است در دکترین حقوق عمومی common law وجود دارد که طبق آن «اگر شخصی عاملاً دیگری را در معرض خطراتی که ممکن است از یک فعالیت خطرناک حادث شود قرار دهد مسئول می باشد» این قاعده در حقوق نیروی هسته ای نیز وارد شده است.

کلیه کنوانسیون های که در این موضوع منعقد گردیده است اصل مسئولیت مطلق مقاطعه کار کشتی یا تاسیسات هسته ای را وضع و قبول کرده است از آن جمله کنوانسیون پاریس مورخ سال 1960 راجع به مسئولیت اشخاص ثالث در قلمرو انرژی هسته ای قابل توجه می باشد در مقدمه آن استقرار رژیم مسئولیت مطلق به شرح زیر توجیه شده است : به سبب مخاطرات وابسته به فعالیت هایی که در چارچوب این کنوانسیون داخل می شود و اشکال اثبات خطا به سبب فنون جدید « انرژی اتمیک » انرژی هسته ای.

در واقع باید تصدیق نمود که موقعیت قربانی احتمالی مساعد نیست زیرا اطلاعات فنی او مربوط به موضوع و امکان بازرسی و نظارت و کنترل فعالیت فضایی او نا چیز است . او نمی توان خطرات را پیش بینی کند بنابر این نمی تواند بداند چگونه و تا چه حد خود را حفظ کند پس کاملاً صحیح است که است عدم تساوی موقعیت ها را به وسیله رژیمی که بار زیان را بر دوش طرف قوی تر یعنی دولت پرتاب کننده قرار دهد جبران نمود و البته آن هم تحمیل زیان نبوده بلکه تعهد بر جبران زیان یعنی خساراتی است که از جسم فضایی یا محصول آن جسم حادث شده است. (موسی زاده، 1388)

#### ب- معافیت

برای دولتی که خساراتی در فضا وارد نموده امکان اجتناب از مسئولیت بسیار محدود است معافیت هایی که طبق اصول حقوقی به نظر عادی می رسد از قبیل زد و خورد های مسلحانه ، اکتشافات نظامی ، شورش، فورس ماژور ، بلا یا مصائب طبیعت مانند زلزله ، ایپیدمی و امثال آنها مورد قبول واقع نشده است . در این مورد فقط قسمت خبر سوانح مذکور در بالا مورد موافقت بعضی از نمایندگان دول در سو کمیته دایر بر اینکه زیان ناشی از خطر باید به وسیله دولت پرتاب کننده تحمل شود و منع به وسیله قربانی سانحه – فائق آمدن لذا تنها وسیله برای یک دولت جهت فرار از مسئولیت خود آن است که ثابت کند زیان در نتیجه قربانی سانحه حادث شده است. بند یک ماده 6 چنین مقرر می دارد :

با رعایت بند دو این ماده یک دولت پرتاب کننده تا حدودی که به اثبات برساند که خسارت وارده کلاً یا بعضاً معلول خطای فاحش یا عمل قصوری است که به قصد ایجاد خسارت از طرف یک دولت متقاضی و اشخاص حقیقی یا حقوقی که آن دولت نمایندگی آنها را دارد صورت گرفته است – از مسئولیت مطلق معاف خواهد بود اشخاص حقیقی یا حقوقی که دولت نماینده آنها می باشد مسلماً اشخاصی هستند که آن دولت به نام آنها تقاضای جبران خسارت می نماید . طبق ماده 7 این اشخاص ممکن است تنها از اتباع خود آن کشور نباشند بلکه مقیم دائمی آن کشور و یا شخص حقیقی یا حقوقی که در سرزمین آن دولت خسارتی دیده باشند با این که متن ماده 7 در این مورد کاملاً روشن نیست معاهدی مسلم است که خطای منتسب تشخیص که بدین نحو دولت نماینده اوست دولت مسئول را از مطالبه خسارت به وسیله دولت خواهان بنام خود یا به نام قربانی های دیگر برای همان سانحه معاف نمی کند و به عبارت دیگر دولت خسارت دیده نمی تواند از دولت مسئول به شرح فوق جبران خسارت را مطالبه کند و دولت مسئول باید آن را بپذیرد زیرا دی غیر این صورت مفهوم مخالف آن چنین می شود که خطای یک قربانی به قربانی های دیگر نسبت داده شده و بر حسب آنها گذاشته شده است. انطباق صحیح مفهوم سهیم بودن در خطا به این نتیجه منتج می شود که دولت پرتاب کننده فقط برای سهمی از ادعای خسارت که مربوط به خسارت قربانی خطاکار می شود معاف شود و اگر این اعمال خطاکارانه خساراتی را به اشخاص دیگر غیر از مرتکب عمل خطاکارانه وارد کرده باشد زیان وارده باید به وسیله دول پرتاب کننده تحمل شود و نه به وسیله قربانیان بی گناه در موردی که فعالیت دولت پرتاب کننده که

موجب ورود خسارت سازمان ملل متحد یا معاهده مربوط به استفاده صلح جویانه از فضای ماورای جو مورخ سال 1067 میلادی منطبق نباشد دولت مذکور هیچ گونه معافیتی نخواهد داشت .

بند دو ماده 6 بدین شرح است : « در مواردی که یک دولت پرتاب کننده دست به فعالیت های بزند که با قوانین بین المللی منجمله و به ویژه با منشور سازمان ملل متحد و یا معاهده مربوط به اصول حاکم و فعالیت های دولت در زمینه اکتشافات فضایی و استفاده از ماهواره های جو منجمله ماه و سایر اجرام سماوی مطابقت نداشته باشد و فعالیت های مذکور سبب ایجاد خسارت شده باشد دولت مذکور از هیچ نوع معافیت برخوردار نخواهد بود » با توجه به مندرجات این ماده اگر یک دولت یک شی هسته ای را در مدار زمین قرار دهد « عملی که به وسیله معاهده فضا مورخ سال 1967 ممنوع است » به طور مطلق مسئول خساراتی است که از شی مذکور وارد شود حتی اگر دولت خواهان مزاحم این شی ای شده باشد و در نتیجه این مزاحمت سانحه ای که موجب ورود خسارت شده حادثه گردد . مشروح بر اینکه هر دو دولت عضو معاهده فضا مورخ سال 1967 و کنوانسیون مربوط به مسئولیت بین المللی در مورد خسارات ناشی از اجسام فضایی یعنی کنوانسیون مورد بحث باشد . (نواده توپچی، 1392)

#### پ- مسئولیت به سبب خطا

طبق ماده 3 « در مورد خساراتی که خارج از سطح زمین به جسم فضایی یک دولت پرتاب کننده و یا به افراد و اموالی که داخل این جسم فضایی قرار دارند به وسیله جسم فضایی دولت پرتاب کننده دیری آمده باشد دولت اخیر الذکر فقط در صورتی مسئول خواهد بود که این خسارت به سبب آن خطای آن دولت یا خطای افراد باشد که دولت مزبور در قبال آنها مسئولیت دارد » در مورد این ماده لازم به ذکر است که موضوع مدت مدیوی در سو کمیته حقوقی مورد بحث و بررسی قرار گرفت تا بالاخره سو کمیته موافقت نمود که این موضوع در کنوانسیون خسارات وارده از یک جسم فضایی به یک جسم فضایی دیگر داخل شود .

دولت آمریکا به خصوص مخالف بود زیرا معتقد بود که اولاً زود است که این موضوع مورد بررسی قرار گیرد ثانیاً معتقد بود که کنوانسیون نباشد جزء به خسارات وارده به کشور هایی که در فعالیت های فضایی دخالت ندارند را شامل شوند و بالاخره چون هیچ گونه اطمینان روی رژیمی که باید در چنین مورد اجرا شود وجود ندارد آیا باید مسئولیت مطلق مقرر شود یا مسئولیت به سبب خطا ؟ در این مرحله از مذاکرات خسارت وارده به ماه و به یک فضا نورد نیز مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت در این مورد به این نکته توجه شد که اجرای اصل مسئولیت مطلق که در تصادم در فضا به نتیجه غیر معقول و گاهی غیر عادلانه منجر می شود و صحیح نیست که در هر دولت پرتاب کننده وادار به پرداخت غیر ارادی خساراتی که به خسارت اموال یا افراد دولت پرتاب کننده دیگر وارد شده است بشود یک دلیل دیگر بر علیه قبول مفهوم مسئولیت مطلق این است که اگر چند دولت اگر فعالیت های فضایی انجام می دهند دیگر نمی توان در بین آنها صحبت از عدم تساوی کرد زیرا موضوع مربوط به یک قربانی بدون اطلاع و بدون دفاع در مقابل یک قدرت فضایی مجهز نیست . در واقع هر دو طرف هم به فنون استفاده از فضا آگاه اند و هم به مخاطرات مختلفه وقوف دارند و آن مخاطرات را قبول کردند در چنین حالتی مسلماً هر از طرفین باید متحمل زیان های مخصوص به خود شوند مگر در موردی که خطای یکی از طرفین ثابت و مدلل گردد در اینجا هم یک مسئله پیش می آید و آن مربوط به فقدان قواعد راهنمایی است که در مورد شناسایی و قبول عموم قرار گرفته باشد توضیح اینکه یک سلسله تحقیقات طولانی بعد از وقوع سانحه ضرورت دارد تا بتوان عمل بی احتیاطی یا خطای آشکار از ناحیه یک دولت را کشف نمود و بسیاری متحمل است که طرفین از تضییع وقت و هزینه این تحقیقات اجتناب نموده و به طور ساده ترجیح دهند خسارت مخصوص خود را خود متحمل شوند. (نواده توپچی، 1392)

#### دولت یا واحد مسئول

در مبحث گذشته به دولت پرتاب کننده بعنوان یک واحد مسئولیت در صورت ورود خسارت فضایی عطف شده است. ماده یک در بند ج پرتاب کننده را چنین تعریف نموده است :

ج- اصطلاح دولت پرتاب کننده به معنای:

1- دولتی است که اقدام به پرتاب جسم فضایی می‌کند و یا وسائل پرتاب اجسام فضایی را فراهم می‌سازد.

2- دولتی که با استفاده از قلمرو و تسهیلات تو اجسام فضایی پرتاب می‌شوند.

و در بند ب نیز مقرر داشته که اصطلاح پرتاب شامل اقدام به پرتاب نیز می‌باشد.

این تعریف به خوبی این واقعیت را بیان می‌کند که همکاری در فعالیت های فضایی اصل شناخته شده است در صورتی که فعالیت های کاملاً ملی در این قلمرو بیشتر جنبه استثنایی پیدا کرده است. دولتی که یک جسم فضایی را پرتاب می‌کند همیشه تنها مالک آن بشمار نمی‌رود بلکه دول دیگر می‌توانند کنترل جسم فضایی را بعد از آنکه عمل پرتاب انجام شد عهده دار شوند. حتی عمل پرتاب نیز ممکن است مشترکاً بوسیله چند دولت که هر یک قسمتی از آن را عهده دار باشند انجام شود تنظیم کنندگان کنوانسیون معیار های متعددی را پیش بینی کرده اند تا براساس آنها قربانی سانحه بتواند در مواردی که پرتاب بوسیله چند دولت مشترکاً انجام شده است دولت مسئول را شناخته و برای اخذ خسارت با آن رجوع کنند.

تعریف به نحوی که تنظیم شده است امکان اخذ غرامت را برای قربانی سانحه زیاد می‌کند زیرا ممکن است دولتی را که به یکی از معیار ها یا مصادیق مربوط شود نتوان مشخص نمود یا آنکه عضو کنوانسیون نباشد مثلاً وقتی که چند دولت به بالاتفاق به پرتاب اقدام می‌کنند.

باید متذکر شد که طبق کنوانسیون تنها یک دولت مسئول شناخته می‌شود و نه اشخاص یا شرکت ها یا واحد های خصوصی. مبنای این اصل در معاهده فضا مورخ سال 1967 مشاهده می‌شود معاهده مذکور در ماده شش به نحوی که قبلاً ذکر کرده ایم چنین مقرر می‌دارد :

دول عضو این معاهده در مورد فعالیت های ملی که در فضای ماورای جو منجمله ماه و سایر اجرام سماوی صورت می‌گیرد دارای مسئولیت بین المللی بوده و انجام این فعالیت ها چه از جانب سازمان های دولتی و چه از جانب مؤسسات غیر دولتی باید زیر نظر دول طبق مفاد این معاهده تعقیب گردد فعالیت های مؤسسات غیر دولتی در فضای ماورای جو منجمله ماه و سایر اجرام سماوی مستلزم صدور اجازه و اعمال نظارت مستمر از جانب دولت ذینظر طرف این معاهده می‌باشد در صورتی که فعالیت در فضای ماورای جو منجمله ماه و سایر اجرام سماوی توسط یک سازمان بین المللی انجام گیرد مسئولیت رعایت مقررات این معاهده بعهده آن سازمان بین المللی و همچنین دول طرف این معاهده که در چنین سازمانی شرکت دارند خواهد بود و طبق ماده هفت معاهده :

هر یک از دول عضو معاهده که شیئی را به فضای ماورای جو منجمله ماه و سایر اجرام سماوی پرتاب می‌کند یا وسائل و موجبات چنین پرتابی را فراهم سازد و هر یک از دول طرف که سرزمین یا تاسیسات آن برای پرتاب شیئی مورد استفاده قرار گیرد از لحاظ بین المللی مسئول خساراتی است که چنین شیئی یا اجزا ترکیب کننده آن در زمین یا در فضای هوایی یا در فضای ماورای جو منجمله ماه و سایر اجرام سماوی به دولت طرف دیگر یا به اشخاص طبیعی یا حقوقی آن وارد آورد.

بطوری که ملاحظه می‌کنیم طبق مندرجات مواد مذکور دول عضو معاهده مسئولیت بین المللی در مورد فعالیت های ملی در فضای ماورای جو دارند خواه این فعالیت ها بوسیله سازمان های دولتی باشد و خواه بوسیله اشخاص حقیقی انجام شده باشد. (نواده توپچی، 1392)

#### الف - پرتاب های مشترک

وقتی که دو یا چند دولت مشترکاً به پرتاب یک جسم فضایی مبادرت ورزند طبق ماده پنج کنوانسیون متضامناً مسئول کلیه خساراتی هستند که از پرتاب جسم مذکور وارد شود.

متن ماده پنج بدین شرح است: «1- هر گاه دو یا چند دولت مشترکاً مبادرت به پرتاب یک جسم فضایی نمایند، دول مزبور مشترکاً و منفرداً مسئول کلیه خساراتی که ممکن است از این پرتاب ناشی گردد خواهند بود.»



2- دولت پرتاب کننده ای که خسارت وارده را جبران نموده حق دارد از دیگر دولی که در این پرتاب مشترک سهامی بوده اند ادعای خسارت نماید. شرکت کنندگان در یک پرتاب فضایی مشترک می توانند در مورد تقسیم غرامت مالی که در قبال آن مشترکاً یا منفرداً مسئولند موافقت نامه هایی منعقد نمایند. این گونه موافقت نامه ها بحق دولتی که متحمل خسارت گردیده از نظر ادعای غرامت کامل از یک یا کلیه دول پرتاب کننده که به موجب این کنوانسیون مشترکاً یا منفرداً مسئول می باشند، لطمه ای وارد نخواهد ساخت.

3- دولتی که قلمرو و تسهیلات آن به منظور پرتاب اجسام فضایی مورد استفاده قرار گرفته است. به عنوان دولت سهامی در پرتاب مشترک تلقی خواهد گردید

با این توضیح می توان چنین نتیجه گرفت: دولتی که به یک عمل پرتاب مبادرت می ورزد ولی به طور مستقیم در عمل پرتاب شرکت نکرده ممکن است گاهی به جزء گروه شرکت کننده به شماره نیاید و در نتیجه مشترکاً و منتضامناً محقق می شود به عبارت دیگر دولت یا دولی که با مبادرت به پرتاب می کنند « مالکین ماهواره » به قدر کافی نقش فعالی ایفا نموده و شرکت کننده در پرتاب شناخته می شوند ولی در چه میزان شرکت در پرتاب که کیفیت شریک بودن را مشخص می کند به ارزیابی و قضاوت در هر مورد به خصوص که خسارتی از همکاری فضایی دو یا چند دولت حاصل شده واگذار گردیده است

اصل مسئولیت مشترک و تضامنی شرکت کنندگان مربوط به چنین معنی می دهد که خواهان می تواند بر علیه یکی از دول پرتاب کننده یا کلیه دول منفرداً یا مشترکاً برای اخذ غرامت کامل اقامه دعوی کند ولی همین که مبلغ غرامت معین شد هر یک از دول تعقیب شده برای پرداخت این مبلغ مسئول خواهند بود.

بند 2 ماده 5 به طوری ذکر کردیم مقرر می دارد: « دولت پرتاب کننده ای که خسارت وارده را جبران نموده حق دارد از دیگر دولی که در پرتاب مشترک سهامی بوده اند ادعای خسارت نمایند » استعمال اصطلاح « دولت پرتاب کننده » در اینجا کمی مبهم به نظر می رسد ولی قصد آشکار این است که دولت مسئول طبق بند یک همین ماده که دارای عنوان دولت پرتاب کننده بر اساس منظور کنوانسیون می باشد دولت شریک در پرتاب مشترک است مقررات ماده 9 که طبق آن تقاضای غرامت به دولت پرتاب کننده تسلیم می شود این تصویب را ایجاب نمود زیرا در غیر این صورت باید فرض شود که مقررات بند یک ماده 5 مربوط به دول پرتاب کننده به شرحی است که آن دول در بند ج ماده 1 تعریف شده اند حق رجوع یکی از شرکت کنندگان در پرتاب علیه دیگران ممکن است به وسیله توافقی بین آنها راجه به ترمیم خسارات مالی که برای آن منتضامناً مسئول هستند انجام شود و عبارت دیگر موافقت نامه ای در مورد حق رجوع تنظیم و جایگزین آن شده و طبق آن عمل شود ولی این موافقت نامه نمی تواند هیچ گونه اثری روی موقعیت خواهان برای پیگیری داشته باشد ولی برای اجتناب از چنین ابهامی بندد و ماده 5 مقرر داشته که « این گونه موافقت نامه ها به حق دولتی که متحمل خسارت گردیده از نظر ادعای غرامت کامل از یک یا کلیه دول پرتاب کننده که به موجب این کنوانسیون مشترکاً یا منفرداً مسئول می باشند لطمه وارد نخواهد ساخت »

ب- پرتاب های جداگانه که خسارت مشترک وارد می سازد. وضعیت دیگری که در نتیجه آن مسئولیت تضامنی وجود داشته و لازم الاجراست موردی است که دو دولت پرتاب کننده در نتیجه حدوث سانحه خسارتی به دولت ثالث وارد کرده اند در چنین مواردی لازم نیست که دولت اخیر الذکر هویت دولتی را که عملاً موجب ورود خسارت شده است تعیین کند بلکه خواهان می تواند به سادگی بر علیه هر دو دولت و بر علیه هر دو آنها برای اخذ غرامت کامل رجوع و اقامه دعوی کند مفاد قسمت اول ماده چهار بدین شرح است:

در مورد خسارت وارده خارج از سطح زمین به جسم فضایی یک دولت پرتاب کننده یا به افراد یا اموالی که در داخل این جسم فضایی قرار دارند به وسیله جسم فضایی دولت پرتاب کننده دیگر و همچنین در مورد خسارات وارده از این ناحیه و این دولت ثالث یا به اشخاص حقیقی یا حقوقی تابع آن دولت دو دولت مشترکاً تا حدود مشروحه زیر در برابر دولت ثالث مسئول خواهند بود:

الف- چنانچه خسارت به یک دولت ثالث در سطح زمین یا در فضا به یک وسیله در حال وارد شده باشد مسئولیت آن دولت ها در قبال دولت ثالث قطعی می باشد .

ب- چنانچه خسارت وارده به یک جسم فضایی متعلق به یک دولت ثالث و یا به اشخاص و اعمالی که در چنین جسم فضایی قرار دارند خارج از سطح زمین یعنی در فضای ماورای جو به وقوع پیوسته باشد مسئولیت آن دولت ها در قبال دولت ثالث بر اساس خطای اشخاصی که در هر یک از آن دولت ها در قبال آنها مسئولیت دارند مبتنی خواهد بود. همین اصول مسئولیت در موارد مذکور در مواد 2 و 3 اجرا می شود بر حسب اینکه از یک طرف موضوع مربوط به یک خسارت روی سطح زمین با یک هواپیمای در پرواز یا از طرف دیگر مربوط باشد به جسم فضایی خواهان .

در مورد مسئولیت تضامنی تقسیم غرامت بین دو دولت پیش بینی شده است در حالی که در مورد پرتاب مشترک امکان تنظیم و تهیه یک موافقت نامه قبلی مربوط به ترمیم و جبران خسارت به شرکت کنندگان در پرتاب واگذار شده است ولی مسلم است که این امر برای دو دولت که پرتاب هایی جداگانه انجام می دهند و بر حسب تصادف به یکدیگر متصل می شوند امکان پذیر نیست . به این دلیل بند دو ماده 4 پیش بینی یک نوع تقسیم بندی را بر اساس میزان خطای آنها نموده و اگر غیر ممکن باشد که بتوان تعیین نمود که هر یک از این دولت ها تا چقدر و چه به میزان خطا کار بوده اند و میزان غرامت بین آنها بالسویه تقسیم خواهد شد معهذا باید توجه نمود که قبل این تقسیم بندی هیچ گاه نمی تواند به حقوق یک دولت ثالث که همواره حق ترمیم کامل خسارت را از یک یا کلیه دول پرتاب کننده که منتضامناً مسئول هستند مطالبه کنند لطمه وارد سازد. متن قسمت دو ماده 4 به شرح زیر است :

در کلیه موارد مسئولیت مندرج در بند یک این ماده میزان غرامت جهت جبران خسارت بین دو دولت اولی به تناسب خطایی که مرتکب شده اند که البته مربوط به بند ب قسمت اول ماده است تقسیم خواهد شد چنانچه تشخیص میزان خطای هر یک از کشور ها میسر نباشد میزان غرامت متساویاً بین آنها تقسیم خواهد شد. این تقسیم به حق دولت ثالث مبنی بر ادعای جبران کامل و تام خسارت طبق مفاد کنوانسیون حاضر علیه یکی از دولت های پرتاب کننده یا کلیه دولت های پرتاب کننده که مشترکاً یا منفرداً مسئول می باشند، لطمه ای وارد نخواهد ساخت. در هر حال باید به این موضوع توجه نمود که قانون گذار دو اصل قانونی را در مورد حدوث خسارات از یکدیگر مجزی ساخته و برای هر یک حکم خاصی تعیین نموده است یکی از آن دو اصل مربوط به خساراتی است که از یک جسم فضایی حین پرتاب سطح زمین یا در فضای هوایی به یک وسیله در حال پرواز وارد شود که در این مورد مسئولیت دولت وارد کننده خسارت در مقابل خسارت دیده قطعی است به اصل دوم موردی است خسارت در فضای ماورای جو حادث شود که در این صورت مسئولیت دولت ها در قبال دولت خسارت دیده بر اساس خطای اشخاصی که هر یک از آنها آن دولت ها در قبال آنها مسئولیت دارد مبتنی خواهد بود . (نواده توپچی، 1396)

#### خواهان

به طوری که در ماده هشت کنوانسیون مصرح است فقط دولت می تواند تقاضای جبران خسارت را بنماید ولو آنکه قربانی سانحه یعنی خسارت دیده یک شخص حقیقی یا یک شرکت یا یک شرکت یا خود دولت باشد موضوع قابل توجه این است که دولت به نام چه شخصی می تواند تقاضای خسارت کند . (صفوی، 1387)

#### صلاحیت قضائی در مورد تعقیب جرائم ارتكابی

##### درفضای ماورای جو شامل ماه و سایر اجرام سماوی

جرائم ارتكابی در فضای ماورای جو ممکن است در داخل یک سفینه فضائی یا ایستگاه فضائی یا شیء فضایی دیگر ارتكاب شود یا درخارج انخارج از سفینه یا یک جسم فضائی شامل ماورای جو و نیز دراجرام سماوی مانند ماه و کرات منظومه شمسی می شود.



اصول مربوط به صلاحیت قضائی برا تعقیب جرم در فضای خارجی ممکن است ضمن قوانین بین المللی تعیین شود و یا قوانین داخلی کشورها. ولی در هر حال قواعدی در مورد صلاحیت قضائی وجود دارد که جنبه بین المللی داشته و در اکثر کشورهای جهان شناخته شده است.

در مورد صلاحیت قضائی در فضای ماورای جو شامل ماه و سایر اجرام سماوی هنوز کنواسیون بین المللی وضع نشده و لذا توجه خود را باید باصول کلی و قوانین داخلی کشورها معطوف سازیم.

1- اولین قاعده حقوقی که در مورد صلاحیت قضائی شناخته شده است و در قوانین بین المللی نی زمذکور است اصل صلاحیت سرزمینی است که آنرا تریتور یا لیته دلو می نامند. بر مبنای این اصل دول صلاحیت قضائی دارند تاهر کس را که در سرزمین ان دولت مرتکب جرمی می وشد تحت تعقیب قرار دهند خواه مرتکب جرم تبعه دولت متوقف فیها باشد یا تبعه خارجی بنابراین اتباع بیگانه در سرزمین یک کشور از لحاظ مقررات جزائی تابع قوانین داخلی آنکشور هستند. سرزمین یک کشور شامل اراضی و آبهای ساحلی و فضای هوائی بالای آنها می شود. حدود سرزمین یک کشور از نظر افقی درمقررات بین المللی تعیین شده و شامل اراضی آبهای داخلی و آبهای ساحلی تا حدود دوازده میل دریائی تحت حاکمیت دولت قرار گرفته است « ماده 3 قانون دریها» و در مورد تعیین حدود کشور با دول همجوار همچنان اشکالی وجود ندارد. (محمودی، 1395)

اما حدود سرزمین یک کشور از لحاظ عمودی هنوز مشخص نیست زیرا اگر چه طبق قوانین مدنی الب از کشورها مالکیت زمین مستلزم مالکیت فضای هوائی سرزمین خود و آبهای ساحلی آن دارا می باشد اما حدود عمودی فضای هوائی و انحصاری در فضای هوائی سرزمین خود و آبهای ساحلی آن دارا می باشد اما حدود عمودی فضایی هوایی طبق مقررات بین المللی هنوز تعیین نشده است و این موضوع متجاوز از بیست و پنج سال است که در کمیته استفاده صلح جویانه از فضای ماورای جو سازمان ملل متحد در دست بررسی است وبا وجود مطالعات و بررسیهای زیاد هنوز به نتیجه نهائی نرسیده است.

2- قاعده دوم راجع به صلاحیت قضائی دول مبتنی بر اصل تابعیت و ملیت اشخاص است که بر اساس ان بسیاری از دول حق صلاحیت قضائی خود را نسبت باتباع خود که در خراج از سرزمین کشور متبوعه مرتکب جرم شده اند محفوظ داشته اند و این مورد توجهی بقاعده صلاحیت سرزمینی دولتی که مجرم در آنجا متوقف است ندارد. وسعت اجرای این اصل در کشورهای مختلف فرق دارد بعضی از دول انرا نسبت به ارتکاب جنایات و جرائم مهم معطوف می نمایند- در صورتیکه برخی دیگر از دول نسبت به ارتکاب جرائم سبکتر صلاحیت قضایی را برای تعقیب مجرمی که تبعه ان دولت باشد حفظ می نماید.

3- قاعده سوم مربوط به صلاحیت قضائی در مورد یاست که محل وقوع جرم موردی است که محل وقوع جرم مورد نظر قرار می گیرد بدین معنی که یک دولت صلاحیت قضائی را برای تعقیب کسی که بر علیه شخص یا مالی واقع در سرزمین دولت دیگری مرتکب جرم مؤثری شده است محفوظ می دارد.

4- قاعده چهارم- بعضی از دول برای خود صلاحیت قضائی جهت تعقیب جرائمی که بر علیه امنیت کشور یا منافع سیاسی یا مالی آن دولت در خراج از سرزمین او ارتکاب شده باشد قائل هستند.

5- قاعده پنجم قاعده جهانی را بدی ذکر نمود که یک دولت برا یخود صلاحیت قضائی جهت تعقیب و مجازات کسی که جرمی را در هر زمان و هر مکانی در جهان مرتکب شده باشد محفوظ می دارد.

در مورد صلاحیت دول قضائی دول به منظور تعقیب جرائم ارتکابی ماده هشت معاهده فضا اصولی را مقرر داشت که مجوز صلاحیت قضائی دول در تعقیب جزائی ارتکابی در فضای ماورای جو می بادش.

ماده مذکور چنین مقرر داشته است:

دولت طرف این معاهده که شی پرتاب شده به فضای ماورای جو نزد وی به ثبت رسیده مادام که آن شی و سرنشینان ان درفضای ماورای جو منجمله ماه و سایر اجرام سماوی است نظارت خود را بر آن شی هموار محفوظ خواهد داشت.



مندرجان این ماده چند اصل حقوقی را بیان نموده که باید بررسی شود: اصل اول این است که در فضای مامورای جو شامل ماه و سایر اجرام سماوی که تابع حاکمیت هیچ دولتی نیست اصل حاکمیت و مالکیت اجرا می شود. منتها مالکیت و حاکمیت در فضای خارجی مربوط با اشیاء فضائی است که خود به فضا پرتاب نموده و به ثبت رسیده است و مندرجات ماده هشت صراحتاً این مالکیت و حاکمیت را با حق نظارت و کنترل که همان مالکیت مطلق و انحصاری است شناخته است. در این مورد موضوع مهم دیگری وجود دارد که به سبب کیفیت خاص خود در مبحث دیگری در جلد چهارم مورد بررسی قرار خواهیم داد و آن مربوط به مواد معدنی مستخرجه از ماه و سایر اجرام سماوی است که هوز عملی نشده و طبق ماده یازده موافقت نامه بین المللی ماه چنانکه دیدیم پس از اینکه از قوه بفعل در آید مقررات بین المللی خاصی در مورد مالکیت و تصرف و توزیع و مصرف و مبادله آنها و همچنین موضوع اسکان و کار و شرایط مربوط به محیط زیست و غیره تنظیم خواهد شد و اکنون دانشمندان فضائی و متخصصین و کارشناسان ناسا مشغول به تهیه طرح های لازم برای استخراج و اسکان بشر در ماه هستند و پرتاب ایستگاههای فضای در مدار کره زمین و استقرار سرنشینان انسانی مجهز برای مدت طولانی مقدمه اسکان بشر در کره ماه است دانشمندان معتقدند که ماه طبق معاهده فضا و موافقت نامه بین المللی ماه مانند فضای خارجی به طور کلی قابل تملک نیست و میراث عمومی بشریت به شمار می رود لیکن در مورد مواد معدنی واقع در ماه و سایر اجرام سمای همینکه مواد مذکور از ماه جدا شد و ما منقولی را تشکیل داده دیگر ماه به معنای عنصر غیر قابل تملک به شرح مذکور در ماده دو معاهده فضا و ماده چهار موافقت نامه ماه به شمار نمی رود و مواد مذکور قابل تملک و تصاحب خصوصی و قابل مصرف می باشد منتها تملک و تصرف ان باید طبق مقررات خاص بین المللی بنحوی انجام شود که حقوق کلیه دول اعم از دول توسعه یافته و دول در حال توسعه منصفانه محفوظ بماند. (موسی زاده، 1388)

اصل سوم موضع ثبت شی فضائی است که در ماده هشت صریحاً ذکر شد که شی ء فضائی پرتاب شده به فضای خارجی بزودی به ثبت رسیده و با این وصف صلاحیت دولتی که شی ء فضائی پرتاب شده به فضای مامورای جو نزد او به ثبت رسیده است در تعقیب جرائم ارتکاب شده به شی ء فضائی و سرنشینان آن مجاز شناخته شده است اگر چه بعضی از حقوق دانان معتقدند که ماده مذکور ناظر بر مسائل حقوقی است و نه جزائی لیکن چون حق صلاحیت فضائی نتیجه و ثمره حق مالکیت و نظارت و حفظ اختیارات حقوقی است لذا در این مورد اشکالی به نظر نمی رسد. لیکن اشکل در موردی است که جرم در خارج از سفینه یا ایستگاه یا شی ء فضائی یعنی در فضای خارجی ارتکاب شود و نیز در موردیکه شی ء پرتاب شده به فضای خارجی که در داخل ان جرم ارتکاب شود به ثبت نرسید باشد و بالاخره در مورد ثبت نیز ثبت داخلی و ثبت بین المللی وجود دارد و کدام یک از این دو مجوز صلاحیت بوده و در جائیکه یک شی ء فضائی به وسیله سازمان بین المللی بین الدول و یا بوسیله چند دولت که هر یک مالک قسمتی از اجزاء متشکله قضائی هستند ساخته و پرتاب شود مقام صالح کدام است.

برای پاسخ به این مورد لازم است مواد شش و دوازده فضا بررسی شود: ماده شش: دول طرف این معاهده در مورد فعالیت های ملی که در فضای مامورای جو منجمله در کرده ماه و سایر اجرام سماوی صورت می گیرد دارای مسئولیت بین المللی بوده و انجام این فعالیت ها چه از جانب سازمان های دولتی و چه از جانب مؤسسات غیر دولتی باید زیر نظر دول طبق مفاد این معاهده تعقیب گردد. ماده دوازدهم: بزدید از کلیه ایستگاهها و تأسیسات و لوازم و سفینه های فضائی مستقر در ماه و سایر اجرام سماوی با رعایت اصل معامله متقابله برا ینمایندگان سایر دول طرف این معاهده آزد خواهد بود. با توجه به مندرجات مواد 8و6 و 12 نتیجه می شود:

الف- در مور ثبت، ثبت دلخلی کافی است و نه یک ثبت بین المللی بعلاوه در حال حاضر قانون گذار ثبت بین المللی را اجباری نکرده و حتی بسیاری از ماهواره ها که در فضای خارجی در مدار زمین گردش می کنند بدبیر کل سازمان ملل متحد پرتاب آنها اعلام نشده و در دفتر ثبت مرکزی موجود نزد دبیر کل سازمان ملل متحد به ثبت نرسیده است نکته



دیگر آنکه طبق ماده هشت جمله نظارت خود را بر شیء و سرنشینان اعما خواهد کرد و اختیارات حقوقی خود را هموار محفوظ خواهد داشت.

ب- طبق ماده شش معاهده فضا در صورتی که فعالیت در فضای ماورای جو منجمله ماه و سایر اجرام سماوی توسط یک سازمان بین‌المللی انجام گیرد مسئولیت رعایت مقررات این معاهده بعهدہ آن سازمان بین‌المللی و همچنین دول طرف این معاهده که در چنین سازمانی شرکت دارند خواهد بود.

ماده هشت ذکر از صلاحیت قضائی فقط در مورد دولت عضو معاهده که شیء را به ثبت رسانده می‌کند بنابراین سازمان بین‌المللی به وضوح مسئول فعالیت‌های خود می‌باشد ولی بر اساس ماده هشت بدون اینکه قرارداد بین‌المللی منعقد شده باشد آن سازمان در موقعیتی قرار ندارد که بتواند ادعای صلاحیت قضائی بر فعالیت آن باشد حق تقدم صلاحیت قضائی را روی شیء و پرسنل داخل آن دارد. (موسی زاده، 1388)

پ- شق دیگر آن است که چند دولت اشیاء مختلفه قضائی را به ثبت رسانیده باشند که مجموع آن اشیاء اجزاء متشکله یک شیء فضائی را تشکیل دهد موردی که در ایستگاه‌های فضائی خارجی استفاده و بهره برداری می‌شود ممکن است بوجود آید. در این صورت به نظر می‌رسد دولتی که شیء فضائی کامل را به ثبت رسانیده واجد صلاحیت قضائی برای تعقیب جرائم ارتكابی در آن باشد.

ت- موضوع دیگر مربوط به سرنشینان سفینه فضائی است در متن ماده هشت کلمه پرسنل ذکر شده و این کلمه در معاهده فضا تعریف نشده است.

در خاتمه به نظر می‌رسد که تنظیم مقررات بین‌الملل نسبت به جرائم ارتكابی در فضای ماوای جو شامل ماه و سایر اجرام سماوی ضرورت دارد زیرا درست است که اکنون فعالیت فضائی مراحل اولیه را طی می‌کند و هنوز در عمل تصادمات و اختلافات به مرحله ای نرسیده است که فضائی مراحل اولیه را طی می‌کند و هنوز در عمل تصادمات و اختلافات به مرحله ای نرسیده است که جنبه جزائی آن از لحاظ مقررات بین‌المللی شدت داشته باشد و کنوانسیون مسئولیت و معاهده فضا و سایر موافقت‌های نامه‌هایی بین‌المللی قضائی مشکلات و مسائل فعلی را پیش‌بینی و تا حدود حل و فصل نموده است لیکن مبحث مربوط به جرائم ارتكابی در فضای ماورای جو و صلاحیت قضائی دول برای تعقیب جرم و مجازات متخلفین یا مجرمین یکی از مباحث مهم حقوقی جزائی فضائی است که دول نیازمند به مقررات بین‌المللی می‌باشد تا حقوق جدید فضائی را تکمیل نموده امنیت فعالیت‌های فضائی را تضمین و حقوق و الزامات دول را در امور جزائی مانند حقوق و الزامات دول در امور حقوقی یا مدنی که هم اکنون قواعد بین‌المللی مدرن برای آن وضع و مقرر شده است تأمین نماید. (ضیائی بیگدلی، 1395)

### عصر فضایی - همکاری بین‌المللی

نیمه دوم قرن بیستم را می‌توان عصر فضایی نامید عصر فضایی عملاً محصول همکاری بین‌المللی است. در طی سال بین‌المللی ژئوفیزیک یک طرح بین‌المللی همکاری به وسیله شورای بین‌المللی اتحادیه علوم تهیه شده بود بیش از هر موضوع دیگری در مورد علم و تکنولوژی یا فنون فضایی موجبات همکاری بین‌المللی را فراهم ساخت زیرا علم و فن فضایی راه حل‌های واحد و مفید و مؤثری برای مسائل بین‌المللی از قبیل کمبود نیرو - مخابرات از فواصل طولانی - آلودگی محیط زیست - دریانوردی - هواشناسی و غیر پیدا می‌کند.

امروز دول به سبب همبستگی به یکدیگر باید با یکدیگر همکاری کنند. بازرگانی بین‌المللی به خصوص بعد از جنگ بین‌المللی دوم ترقی فوق‌العاده و سریعی نمود روابط بین‌المللی همچنان رو به تکامل رفته و حقوق بین‌المللی توانست خود را با این واقعیت و تغییرات اوضاع جهان منطبق سازد و این نفع حقوق بین‌المللی سنتی زندگانی مشترک جوامع تبدیل به حقوق بین‌المللی همکاری بین‌المللی شد و امید می‌رود همکاری بین‌المللی و روابط بین‌المللی به موازات تکامل سیستم ارتباطات بهبود یافته و در نتیجه خطر جنگ کاهش یابد به همین نحو ماهواره‌های مخابراتی از دو یا «تکومونیکاسیون» نمی‌تواند بدون همکاری بین‌المللی توسعه پیدا کنند در قلمرو ماهواره‌های



مخابره از دو «تکومونیکاسیون» نه فقط همکاری بین المللی مفید است بلکه ضروری است و چون رادیو روح مخابره از دور به وسیله ماهواره می باشد لذا همکاری بین المللی را به منظور تنظیم این فعالیت ایجاب می کند. نکته دیگر آنکه فضای ماورای جو که مکان و عرصه فعالیت ماهواره هاست به هیچ دولتی تعلق ندارد ولی باید برای تامین نفع و بهره وری کلیه دول مورد اکتشاف و استفاده قرار گیرد. سازمان های بین المللی بر دو نوع می باشند :

یکی از سازمان های دولتی و دیگر سازمان های غیر دولتی که به همکاری بین المللی مربوط به ماهواره های مخابراتی اختصاص یافته اند .

دول با این که دارای عقاید و رژیم سیاسی مختلفی هستند اغلب همکاری بین آکادمی سین ها یا دانشمندان عالی قدر را تشویق می کند تعداد هیئت نمایندگان کشور های مختلف که در فعالیت های علمی سازمان های بین المللی شرکت می کنند شاهد بر این ادعاست.

در بادی امر تصور می شد که همکاری در سطح سازمان های بین المللی غیر دولتی در مورد تهیه حقوق فضایی تاثیر و فایده زیادی نداشته باشد زیرا این سازمان ها مستقیماً در ایجاد قواعد حقوقی شرکت نمی کنند ولی عملاً معلوم شد موافقت نامه ها و توافق نامه ها و ترتیب هایی که این نوع سازمان ها برقرار می کنند پایه و مبنای حقوق فضایی و توسعه و تکمیل آن می باشد .

جای امیدواری است که همکاری عملی بشر را به سوی همکاری سیاسی نیز سوق دهد تا بآمال به همکاری فضایی با بعد جمعی منجر شود. خوشبختانه هنگام تنظیم این مبحث طلیعه همکاری بین المللی از نظر سیاسی و اجتماعی و اقتصادی به نحو رضایت بخشی در کشور ها و جوامع مختلف آشکار شده و کشور های محدود و مقید آزادی های خود را بر طبق منشور ملل متحد بدست آورند و این وضع در کشور لهستان و هنگری و نمونه بارزی از بهبود روابط بین المللی و توجه دو بلوک شرق و غرب به همکاری در زمینه های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی است و نتایج مفید این همکاری در زمین و دریا و هوا و فضای ماورای جو عاید همگام می شود همکاری بین المللی به ملل اجازه می دهد که هزینه ها را با حسن نیت بین خود تقسیم کند و فنون و وسائل و آلات و ادوات مورد نیاز را به صورت موثری مورد استفاده قرار دهند مسئولیت ها را بین خود در حدود وسیعی تقسیم نمایند و از همه مهمتر آنکه یک محیط اعتماد متقابل بین خود به وجود آورند تا در نتیجه از خطر جنگ کاسته شود سرمایه ها و رقابت های دول به جای صرفه نظر مسابقات تسلیهاتی و جنگ افزار های بیهوده ( به سبب منهدم کننده بودن دسته جمعی صرف اکتشافات علمی در کره زمین در دریا در فضای هوایی و در فضای ماورای جو شامل ماه و سایر اجسام سماوی و استفاده و بهره برداری از منابع عظیم موجود در نقاط مذکور و به خصوص فضای خارجی شامل ماه و سایر اجرام سماوی می شود فعالیتی که کیفیت بازرگانی و صنعتی آن موجبات رفاه و آسایش ملل و بهبود وضع جوامع را به نحوی فراهم می سازن که به نحوی موثر موجب تامین صلح و امنیت بین المللی خواهد بود . (ضیائی بیگدلی، 1395)

### نتیجه گیری

امروزه حقوق بین الملل فضایی به عنوان یکی از رشته های حقوق وارد رشته های دیگر از جمله سیاست شده و نقش دولت ها به عنوان یکی از عناصر اصلی این رشته به چشم می خورد. تا جایی که برای این عضو مهم و عنصر اصلی مسئولیت بین المللی مدنی و مسئولیت بین المللی جزایی در نظر گرفته می شود و زیر ذره بین نهادای بین المللی قرار می گیرد. از طرفی هم معاهدات بین المللی مذکور در این مقاله برای اوراق ها ایجاد ضمانت اجرا کرده و محدودیت هایی را برای فعالیت دولت ها در رفاضا مشخص می نماید. لازم به ذکر است که نظام آموزشی رشته ی حقوق در کشور ما به حقوق بین الملل فضایی و همچنین حقوق بین الملل هوایی توجه چندانی نداشته در حالی که امروزه رشته های مذکور رشته های بسیار کار برای در سطح بین الملل می باشد.

## منابع فارسی

شاو، ملکم، (1388)، حقوق بین المللی، ترجمه محمد حسین وقار، تهران، انتشارات اطلاعات.

ضیائی بیگدلی، محمد رضا، (1395)، حقوق بین المللی عمومی، تهران، گنج دانش، چاپ سی و پنجم. موسی زاده، رضا، بایسته های حقوق بین المللی، (1388)، تهران، نشر میزان، چاپ پنجم

صفوی، سید حسن، (1387)، حقوق بین المللی هوایی و فضای، تهران، سازمان هواپیمایی کشوری

جباری، منصور، (1395)، حقوق هوایی از منظر داخلی و بین المللی (تهران: شهر دانش)

صفوی، حسن، (1387)، حقوق بین الملل هوایی و فضایی، جلد اول (تهران: موسسه خدمات چاپ

عدل، منصور، (1389)، حقوق مدنی تهران: خرسندی

محمدی، ابوالحسن، (1389)، مبانی استنباط حقوق اسلامی یا اصول فقه، چاپ بیست و نهم (تهران: دانشگاه تهران، محمودی، هادی، (1395)، حقوق بین الملل فضایی) تهران: سمت

موسی زاده، رضا، (1388)، بایسته های حقوق بین الملل عمومی (1-2 چاپ پانزدهم) (تهران: نشر میزان

نواده توپچی، حسین، (1392)، حقوق بین الملل فضا تهران: خرسندی

نواده توپچی، حسین، (1396)، مقدمه ای بر حقوق بین الملل هوایی: بررسی کنوانسیون شیکاگو و ضمیمه (تهران: خرسندی.